

## خیمه‌شب‌بازی « مبارزه با فقر » صورتک‌های آفریقائی آقای آنتونی بلر

در عکس‌العمل به هجوم مهاجران به سوی سرزمین‌های اسپانیائی‌نشین آفریقا در مراکش، کتا و ملیلا (۱)؛ کمیسیون اروپا یک «راهبرد برای آفریقا» ارائه داد. این طرح در چارچوب مجموعه ابتکارات متعددی، منجمله کمیسیونی به ریاست آقای بلر در سال ۲۰۰۵، قرار می‌گیرد. با این همه، با وجود آنکه این ابتکارات به وسیله گروه هشت در ژوئیه گذشته مورد تأیید قرار گرفتند، ترتیبات پیشنهادی نخست وزیر بریتانیا نشانگر هیچ گونه تغییری در مسیر اقتصادی نیست.

چنان کنیم که فقر فقط متعلق به گذشته آفریقا باشد، و این مهم از قبل یک «طرح مارشال نوین» (۲) : این تمایلی بود که در اجلاس گروه هشت، در گلن‌ایگلز (۳) (اسکاتلند) که از ۶ تا ۸ ماه ژوئیه ۲۰۰۵ برگزار شد، ابراز شده بود. برای نمایش این چرخش، هیچ چیز از نظر دور نمانده بود. آنتونی بلر، نخست وزیر بریتانیا، میزبان اجلاس، جهت برپائی کنسرت‌های عظیم برای جلب توجه کافی، به موسیقیدانانی چون باب گلدوف و بونو (۴) نیز متوسل شد.

چنین تبلیغات آزردهنده‌ای جدید نیستند: پس از آغاز «همکاری برای توسعه آفریقا» (۵)، در سال ۲۰۰۱، سخنرانی‌های فراوانی در این راستا صورت گرفته‌اند. فراتر از آن، در سال ۲۰۰۲، در اجلاس گروه هشت در کاناناسکیس (۶) (کانادا)، این کشورها حتی طرحی برای اقدام به تصویب رسانیدند، طرحی که در عمل ورق پاره‌ای بیش نبود. علیرغم ظاهر، ابتکار گلن‌ایگلز بیش از هر چیز نشاندهنده تمایل کشورهای «شمال»، علیرغم شکست سخت تجویزهای‌شان، برای ادامه تحکم در مورد چارچوب‌های بحث توسعه بود (۷).

سال‌ها است که، آقای بلر خود را «قهرمان مبارزه با فقر» در آفریقا معرفی می‌کند. در چارچوب همین برخورد، وی در سال ۲۰۰۴، کمیسیونی برای آفریقا پایه‌گذاری کرد، که گزارش آن در فوریه ۲۰۰۵ تحت عنوان «منافع مشترک ما»، اساس مذاکرات گروه هشت شد (۸). این کمیسیون، به ریاست نخست وزیر بریتانیا، از ۱۷ شخصیت، از جمله مدیر عامل سابق «صندوق بین‌المللی پول» (FMI) میشل کامدسوس (۹)، رئیس جمهور تانزانیا بنجامن ام‌کاپا (۱۰)، وزیر خزانهداری آفریقای جنوبی میس زناوی (۱۱)، و ... باب گلدوف تشکیل شده بود.

پس از ایراد چند جمله پوچ - از قبیل: «فقر و ایستائی اقتصادی در آفریقا بزرگترین تراژدی‌های دوران مایند» -، گزارش کمیسیون ادعای ارائه توضیحی بر تهی‌دستی قاره - بر اساس گل‌چین «پیچیده‌ای» از عوامل سیاسی، ساختاری، محبظیستی و انسانی دارد. ولی سوءحکومت و جغرافیا را به عنوان عوامل سرنوشت ساز معرفی می‌کند. تمامی مسائل دیگر - درگیری‌ها، وابستگی از نظر محصولات پایه، تولید ضعیف کشاورزی، سقوط آموزش و پرورش و نظام بهداشتی، مشکل عظیم قرض خارجی، فرار سرمایه‌ها، وخامت موازنه تجاری، فرار مغزها، و غیره - نقش ثانویه‌ای بیش نمی‌داشته‌اند.

این توضیح، بازگفت تحلیل‌های سطحی رایج «کارشناسان» غربی، حامیان آفریقائی‌شان و بنیادهای چندجانبه است. و به ویژه، نقش عوامل خارجی را به حداقل می‌رساند: بدین وسیله، نقش فضای بین‌الملل (وخامت موازنه تجاری و فرار سرمایه‌ها)، فقط به صورتی گذرا و فناورانه مورد بررسی قرار گرفته. هیچ اشاره‌ای به ارتباطات قدرت، که تعیین کننده ویژگی روابط بین‌الملل و مبین سلطه کشورهای شمال بر بینادهای چندجانبه‌ای است که فرامین را صادر می‌کنند، نشده است.

گزارش، بخصوص، نقشی را که «برنامه‌های تعدیل ساختاری» بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول در وخامت نمودارهای اقتصادی و اجتماعی ایفا کرده‌اند، نادیده می‌گیرد (۱۲). میراث استعماری، با وجود تأثیرش بر «بالکانی‌شدن» (۱۳) این قاره، تقریباً مطرح نمی‌شود. «سوءحکومت» تماماً به آفریقائیان نسبت داده می‌شود، امری که امکان می‌دهد بازتاب‌های نظام نواستعماری، که پس از استقلال‌ها جایگیر شده، پنهان نگاه داشته شود.

در عوض، انتقاد از سرآغاز استقراض خارجی، نمایانگر اندک انعطافی در بیانات است. در واقع، گزارش به رسمیت می‌شناسد که «استقراض عموماً از طرف دیکتاتورهای صورت گرفته که از قبل نفت، الماس و دیگر منابع کشورهای‌شان به ثروت دست یافته‌اند، و طی جنگ سرد از حمایت کشورهای بهره‌مند شده‌اند که امروز استقراض را

باز پس می‌گیرند. شماری از این رهبران، با بهره‌گیری از نظام‌های مالی در کشورهای توسعه‌یافته، میلیاردها دلار به غارت برده‌اند ...».

این گزارش برای مبارزه با گسترش فقر در این قاره، به پنج توصیه کلاسیک اکتفا می‌کند: برپایی «حکومت مناسب»، برقراری صلح و امنیت، توسعه نیروهای انسانی، تسریع رشد اقتصادی و افزایش صادرات. جهت دستیابی به این اهداف، پیشنهاد دو برابر شدن کمک سالانه را می‌دهد، برای بالا بردن آن تا ۲۵ میلیارد دلار تا سال ۲۰۱۰. در این تاریخ برآوردی از وضعیت صورت خواهد گرفت، اگر این برآورد رضایت‌بخش باشد، دومین سهمیه به مبلغ ۲۵ میلیارد دلار در سال، احتمالاً بین سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۵، اعطا خواهد شد.

#### بررسی مسیرهای دیگر

با این وجود، به دلیل نبود تغییرات پایه‌ای در ادراک و به مرحله اجرا در آوردن کمک، کارآئی این ترتیبات شبه‌برانگیز می‌نماید. به گزارش انجمن بریتانیایی «اکشن‌اید» (۱۴)، کشورهای «وام دهنده»، ۹۰ درصد کمک‌ها را - به صورت خرید محصولات یا بازپرداخت قرض - باز پس می‌گیرند (۱۵) به علاوه، این کمک‌ها - بر اساس تحقیقات متعددی - به منافع اقتصادی، سیاسی و راهبردی کشورهای وام‌دهنده کمک کرده و می‌کنند (۱۶). نهایتاً، اکثریت «شرطیت‌های» (۱۷) همگام با این حمایت مالی (آزادسازی اقتصادی، ورود به «جهانی‌شدن» و ...)، هر گونه منفعت بالقوه آنان را از میان برمی‌دارد، امری که کمیسیون بلر نیز آنرا تایید می‌کند.

بریتانیایی کبیر پیشنهاد می‌کند که این افزایش کمک به وسیله مبالغی تامین شود که از بازارهای مالی، از قبیل اعمال «سهولت تأمین هزینه بین‌المللی» (۱۸)، برداشت می‌شود. هر کشور شرکت‌کننده متعهد می‌شود که، در ازاء تعهدات مستحکم اقتصادی کشورهای منتفع، طی ۱۵ سال، مبلغ مشخصی به «سهولت تأمین هزینه بین‌المللی» پرداخت کند. و این تشکیلات می‌تواند، جهت پرداخت به نفع کشورهای فقیر، بلافاصله این کمک را از بازارهای بین‌المللی سرمایه برداشت کند. با این وجود، این سازوکار «شرطیت‌هایی» اقتصادی بر دوش کشورهای جنوب تحمیل می‌کند. و با متمرکز شدن بر توسعه، «سهولت تأمین هزینه بین‌المللی» اصلاح نظام بازرگانی یا پایه‌ریزی مجموعه اموال عمومی را ثانوی جلوه می‌دهد (۱۹). بریتانیایی کبیر پیشنهاد می‌کند که، مسیرهای دیگری مورد آزمایش قرار گیرد، همچون برقراری مالیات بر حمل‌ونقل، که فرانسه توصیه می‌کند.

ورای افزایش کمک، گروه‌هشت، در چارچوب ابتکار به نفع کشورهای فقیر و بسیار مقروض (PPTE)، لغو کامل استقرار برخی دولت‌ها را توصیه می‌کند. ولی این امر ۱۸ کشور از ۶۲ کشوری را که در چارچوب «اهداف هزاره در جهت توسعه» (۲۰)، که طی چهل سال صورت خواهد گرفت، و از طرف سازمان ملل مطرح شده‌اند - شامل می‌شود. به این دلیل است که، به عقیده «اوروداد» (۲۱)، ائتلافی متمرکز در بروکسل متشکل از انجمن‌های اروپایی برای مبارزه با فقر، رقم واقعی لغو قروض ۱۷ میلیارد دلار خواهد بود، و نه ۴۰ میلیارد (۲۲). به علاوه، لغو هر دلار بدهی، مترادف با لغو یک دلار کمک نیز می‌شود. از اینرو، تصمیم گروه هشت، در رابطه با «اهداف هزاره» (۲۳)، بسیار ناکافی می‌نماید.

ولی شرط اصلی لغو بدهی، سرعت بخشیدن به سیاست «آزادسازی» و «خصوصی‌سازی» است. قسمت اعظم منابع برای توسعه قاعدتاً می‌باید از بخش خصوصی تأمین شود - تکیه بر «حاکمیت مناسب»، که می‌باید شرایط مورد نظر برای سرمایه‌گذاران خارجی را تأمین کند نیز، از همین روست. گروه هشت، یکی از توصیه‌های کمیسیون بلر را از نو مطرح می‌کند، «شرکت‌های خصوصی موتور اصلی رشد و توسعه‌اند». در باره نقش دولت در توزیع مجدد ثروت‌ها، دسترسی به خدمات و کالاهای اولیه ضروری همچون آب‌آشامیدنی یا نیروی برق، و مبارزه با نابرابری‌ها، کلامی به میان نمی‌آید.

در این راستا، کشورهای آفریقایی می‌باید هر چه بیشتر سیاست بازرگانی خود را، با تکیه بر گروه هشت، بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول، «لیبرال‌تر» سازند، برای آنکه «قابلیت فیزیکی، انسانی و بنیادی ضروری برای تجارت، خصوصاً ترتیباتی جهت سهولت» آن، پایه‌ریزی کنند. این نسخه‌ها یادآور همان‌هایی است که طی ۲۵ سال از سوی بنیادهای چندجانبه و تأمین‌کنندگان هزینه‌ها، تجویز شده بودند، تجویزهایی که انجمن «همیاری مسیحی» (۲۴) هزینه اجتماعی و اقتصادی بی‌نهایت بالایی آنرا تخمین زده است (نابودی مشاغل، نابودی شرکت‌های کوچک، و غیره): بدین ترتیب، از سال ۱۹۸۵، «لیبرال سازی» تجاری برای کشورهای آفریقایی، ۲۷۰ میلیارد دلار خسارت به بار آورده.

گروه هشت با ظرافت بسیار از طرح مسئله مربوط به یارانه‌های کشاورزی در کشورهای ثروتمند، با وجود آنکه همین یارانه‌ها تا حدودی مبین فقر کشورهای آفریقایی‌اند، اجتناب می‌کند. به طور مثال، در سال ۲۰۰۲، اعطای یارانه‌های

عظیم از طرف ایالات متحد به ۲۵ هزار تولید کننده آمریکایی، باعث سقوط ۲۵ درصد قیمت پنبه در بازارهای جهانی شده، نزدیک به ۳۰۰ میلیون دلار به درآمد و صادرات کشورهای بنن، بورکینافاسو و مالی، که همگی از جمله عقب‌افتاده‌ترین کشورها هستند، زیان وارد کرده است. با این وجود، کمیسیون بلر چنین ملاحظه می‌کند که رشدی معادل ۱ درصد در صادرات آفریقا در سال، ارزش صادرات را تا ۷۰ میلیارد دلار افزایش خواهد داد، یعنی معادل چهار برابر مبلغ کمک عمومی برای توسعه.

آزمون شایسته‌ای برای صداقت

یکی از ابتکارات، و شاید تنها ابتکار گزارش «کمیسیون برای آفریقا»، که به صورتی تماشایی از طرف گروه هشت مورد بی‌توجهی قرار گرفت، فراخوان برای بازگرداندن مبالغی بود که به وسیله نظام‌های غیرمردمی از ملت‌های آفریقا دزدیده شده و در کشورهای توسعه یافته انبار شده است. بر اساس این گزارش، این مبلغ به بیش از نصف تمامی بدهی این قاره بالغ می‌شود، یعنی صدها میلیارد دلار. از سوی دیگر، استقرار این ترتیبات به وسیله دولت بلر می‌تواند آزمونی برای صداقت نخست وزیر بریتانیا به شمار آید.

در واقع، تمایل مطرح شده از جانب گروه هشت برای مبارزه علیه فقر، نقابی است بر اهداف اقتصادی و «جغرافیایی راهبردی» (۲۵). نظارت بر منابع طبیعی عظیمی که آفریقا لبریز از آن است، می‌تواند در عمل، در جنگ اقتصادی‌ای که کشورهای غربی با آن درگیر شده‌اند، برتری چشمگیری اعطا کند. همانطور که کمیسیون بلر اعلام می‌دارد، «هم‌قدم با تغییرات و توسعه جهانی، این امکان وجود دارد که منابع طبیعی آفریقا برای کامیابی جهانی حیاتی باشند». در حل حاضر، تحت لوای مبارزه با تروریسم، ایالات متحد دست‌اندرکار «ایمن‌کردن» کشورهای صاحب نفت در آفریقا شده.

همزمان، واشنگتن و اتحادیه اروپا فشار اقتصادی و تجاری خود بر این قاره را افزایش می‌دهند. در سال ۲۰۰۰، واشنگتن وسیله‌ای برای نفوذ به درون اقتصادهای آفریقایی، تحت نام «اعلامیه رشد و امکانات در آفریقا» (۲۶) ایجاد کرده، که هدف آن از میان برداشتن تمامی رامبندهای گمرکی و غیرگمرکی در برابر تولیدات آمریکایی است. اتحادیه اروپا نیز، به نوبه خود، قصد تحمیل «تجارت آزاد» (۲۷) به کشورهای آفریقایی را، که به نام «توافق‌های همکاری‌های اقتصادی» (۲۸) معروف شده است، دارد.

ولی ایالات متحد و بریتانیایی کبیر نیز دریافته‌اند که یک آفریقایی «فقر»، با دولت‌های ورشکسته، می‌تواند زمینه‌ای مناسب و یا پناهگاهی برای گروه‌های تروریستی باشد. بدین ترتیب، یکی از عوامل سوءقصد‌های ناموفق ۲۱ ژوئیه ۲۰۰۵، در لندن، در زامبیا بازداشت شد. در گزارش کمیسیون بلر مطرح شده است که آقای جرج دبلیو بوش نگرانی خود را از این امر پنهان نگاه نمی‌دارد: «فقر و سرکوب پیوسته می‌تواند احساس ناتوانی و ناامیدی ایجاد کند. و زمانی که دولت‌ها به ابتدائی‌ترین نیازهای شهروندانشان پاسخ نمی‌دهند، این حکومت‌ها در شرایط سخت می‌توانند مأمور تروریست‌ها شوند...»

علیرغم هیاهوی تبلیغاتی و امیدهایی که پیش از کنفرانس گروه هشت برانگیخته شده بود، این کنفرانس به شکست انجامید. به این دلیل که: چگونه می‌توان، بدون دفن کردن سیاست‌ها و بنیادهایی که فقر بر روی کره زمین را خلق کرده و گسترش می‌دهند، کاری کرد که فقر صرفاً متعلق به گذشته باشد؟

پانویس‌ها

(۱) Ceuta و Melilla

(۲) Plan Marshall Moderne، اشاره نویسنده به «طرح مارشال» است که از سوی جورج سی. مارشال، (Geroge C. Marshall) وزیر امور خارجه ایالات متحد، در سال ۱۹۴۸، پس از پایان جنگ دوم، برای بازسازی اروپا ارائه شد. بسیاری اقتصاددانان و صاحب‌نظران این طرح را یک «نمایش» تبلیغاتی به شمار می‌آورند. به طور مثال، مراجعه شود به انتقادات نوآم چومسکی بر این طرح در کتاب *Le bouclier américain* انتشارات *Le serpent à plume*، ترجمه Guy Ducornet، ۲۰۰۲، پاریس. (مترجم)

(۳) Gleneagles

Bono و Bob Geldof (٤)

(٥) (Nepad)، به تام آمادو سک (Tom Amadou Seck)، «سراب همیاری‌های نوین در راه توسعه آفریقا»، لوموند دیپلماتیک، نوامبر ۲۰۰۴، مراجعه کنید.

Kananaskis (٦)

(٧) مراجعه شود به دخالت FMI و بانک جهانی در آفریقا. از شکست برنامه‌های توسعه تا رسوایی برنامه ابتکار به نفع کشورهای فقیر و بسیار مقروض (PPTE) در (International South Group Network, Quezon Philippines، ژوئن ۲۰۰۵).

(٨) مراجعه شود به «کمیسیون برای آفریقا»، «منافع مشترک ما»، فوریه ۲۰۰۵ در سامانه [www.commissionforafrica.org](http://www.commissionforafrica.org).

Michel Camdessus (٩)

Benjamin Mkapa (١٠)

Meles Zenawi (١١)

(١٢) به «علوم اقتصادی ورشکستگی: هزینه واقعی تجارت "آزاد" برای کشورهای فقیر»، A Christian Aid Briefing Paper، لندن، ژوئن ۲۰۰۵. در سامانه [www.christianaid.org.uk](http://www.christianaid.org.uk) مراجعه شود.

Balkanisation (١٣)

Action Aid (١٤)

(١٥) به «کمک‌واقعی: گاهشماری برای آنکه کمک کارساز باشد»، ماه مه ۲۰۰۵، در سامانه [www.actionaid.org.uk/wps/content/documents/real\\_aid.pdf](http://www.actionaid.org.uk/wps/content/documents/real_aid.pdf)، مراجعه شود.

(١٦) به داوید ساج (David Sogge)، «نظام کمک‌های بین‌المللی، نیازمند یک رفرم ضروری»، لوموند دیپلماتیک، سپتامبر ۲۰۰۴، مراجعه شود.

Conditionnalité (١٧)

(Facilité de financement international (FFI (١٨)

[www.hcci.gouv.fr/lecture/fiches/fi07.html#32](http://www.hcci.gouv.fr/lecture/fiches/fi07.html#32) (١٩)

Objectifs du millénaire pour le développement یا (OMD) (٢٠)

Eurodad (٢١)

(٢٢) به «جزئیات ماکیاوولی: معانی پیشنهاد گروه هفت در مورد بدهی. خلاصه اوروداد به «سازمان‌های غیردولتی» (ONG)، بروکسل، ۱۴ ژوئن ۲۰۰۵ مراجعه شود. و سامانه [www.eurodad.org/uploadstore/cms/docs/G7\\_accord\\_FR.p](http://www.eurodad.org/uploadstore/cms/docs/G7_accord_FR.p)

(٢٣) مرکز ملی همکاری برای توسعه، «معنای تصمیمات گروه ۸»، بروکسل، ۳۰ ژوئیه ۲۰۰۵

Christian Aid (٢٤)

(۲۷) Libre – échange، در این مقاله مطالب مفصلي در مورد موازنه‌هاي بازرگاني و این واقعیت که «آزادي‌سازي‌هاي تجاري» نهایتاً راهگشاي اقتصادهاي غربي است تا اقتصاد جهان سوم، مطرح شده. لازم به تذکر است که این زاویه از مسائل اقتصادي صرفاً در چارچوب تحلیل‌هاي پیشرفته اقتصادي مي‌تواند در دسترس علاقه‌مندان قرار گیرد، و براي نتیجه‌گيري‌هاي كلي نمی‌توان به مطالب مطرح شده از جانب نشریات غیرتخصصي تکیه کرد. (مترجم)

(۲۸) Accords de Partenariat Économique یا (APE)، به رائل مارک ینار (Raoul Marc Jennar)، مراجعه شود: «توافق‌هائي که بروکسل از موضع قدرت به آفریقا تحمیل مي‌کند»، لوموند دیپلماتیک، فوریه ۲۰۰۵، مراجعه شود.

کلیه حقوق برای نشریه لوموند دیپلماتیک محفوظ است  
Le Monde diplomatique 2000 - 2003